# خدیجه علیها‌السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

## مشخصات کتاب

سرشناسه : مرادی‌نسب، حسین، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور : خدیجه علیها‌السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله/ حسین مرادی‌نسب: تدوین مرکز تحقیقات حج.
مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۶۵ص.؛ ۱۹/۵×۹س‌م.
فروست : زنان اسوه؛ ۴.
شابک : ۶۵۰۰ ریال‌978-964-540-261-5:
وضعیت فهرست نویسی : فاپا
یادداشت : چاپ سوم: بهار ۱۳۹۱.
یادداشت : کتابنامه: ص.[۶۱] - ۶۵.
موضوع : خدیجه (س) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت.
شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج
رده بندی کنگره : BP۲۶/۲/م۴۴خ۴ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۲۲
شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۰۵۶۲۰
ص: 1

## اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

## دیباچه‌

ص: 6
سعادت واقعی انسان و شرط پویایی جوامع بشری در سایه شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیای الهی به ویژه اهل بیت خاندان وحی (علیهم السلام) به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های تربیتی و اساسی‌ترین مؤلفه در فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت‌های زندگی آنان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می‌تواند زمینه‌های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد، از این‌رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست‌وجو در احوال خاندان پاک نبوت که در دامان پر مهر آنان کامل‌ترین انسان‌ها پرورش یافته‌اند به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.
گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای

ص: 7
ایفای رسالت خود برای ترویج فرهنگ اصیل اهل‌بیت (علیهم السلام) دست به انتشار شرح حال عده‌ای از مردان و زنان انسان‌ساز زده است که از جمله آنان شرح حال حضرت خدیجه کبری (س) همسر گرامی و فداکار رسول خدا (ص) و مادر صدیقه طاهره (س) است.
در پایان مرکز تحقیقات لازم می‌داند که از تلاش پژوهشگر محترم آقای حسین مرادی نسب (عضو گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش نموده‌اند، سپاسگزاری نماید.
انه ولی التوفیق
مرکز تحقیقات حج
گروه تاریخ و سیره

ص: 8

## مقدمه‌

حضرت خدیجه از زنان برجسته تاریخ دوران جاهلیت و بعثت بود که توانست بر قله‌های بلند انسانیت و معنویت پای بگذارد. او با گذشتن از مال و ثروتش و با راندن خواستگاران توان‌گر روزگار خود، ایثار و فداکاری را به مسلمانان آموخت. حضرت خدیجه پس از شناخت حضرت محمد (ص)، ایشان را به همسری خود برگزید و حضرت خدیجه نیز همه زندگی‌اش را در راه تحقق هدف‌های همسرش به کار بست.
حضرت خدیجه، نخستین کس از ایمان آورندگان به رسول خدا (ص) بود و از همین روی در جایگاه یکی از زنان برتر بهشت و برگزیده نشست. رحلت او، بار اندوه سنگینی بر شانه‌های رسول خدا نهاد و تنها یاد فداکاری‌های همسرش می‌توانست به او آرامش دهد.

ص: 9
رسول خدا با دیدن دوستان خدیجه (س) یا هنگامی که سخنی از او در میان می‌آمد، از او به نیکی یاد می‌کرد و خاطره فداکاری‌های او را در یاد می‌آورد. حضرت خدیجه (س) و دختر گرامی‌اش، حضرت صدیقه طاهره (س) بهترین الگوی زنان مسلمان در زمینه‌های گوناگون مانند ازدواج، صبر، فداکاری، تربیت فرزند و ده‌ها خصلت پسندیده دیگرند.
از این رو، مسلمانان با پیروی از چنین الگوهایی، می‌توانند به کمال انسانیت و معنویت دست یابند و در کنار همسران با ایمانشان، همواره قله‌های بلند انسانیت را درنوردند، رنگی خدایی به زندگی خود بدهند و به پرورش فرزندانی سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار بپردازند.

ص: 10

## خاندان‌

حضرت خدیجه (س)، فرزند «خویلد بن اسد بن عبدالعزّی بن‌قصی بن‌کلاب» از قبیله «قریش» [(1)](#p10i1) و «عبدالعزی» برادر «عبد مناف» بود. پدر آن دو به «قصی بن‌کلاب» نسب می‌برد و تبار جد مشترک رسول خدا (ص) با چهار واسطه و حضرت خدیجه با سه واسطه به «قصی بن‌کلاب» می‌رسید. «خویلد»، پدر خدیجه در برابر «تُبَّع» ایستاد؛ زیرا آنان می‌خواستند حجرالاسود را با خود به «یمن» ببرند.
«ابن اسحاق» در کتاب سیره‌اش می‌نویسد: گروهی از قریشیان نزد خویلد آمدند و به او گفتند «تبع» قصد دارد حجرالاسود را همراه خود به یمن ببرد. خویلد

1- جمهرة انساب العرب، ابن حزم، ص 120؛ الانساب، سمعانی، ج 1، ص 215.

ص: 11
گفت: «مرگ، نیکوتر از این است». او شمشیر برداشت و قریشیان نیز شمشیر برداشتند و با او به راه افتادند و نزد «تُبَّع» آمدند و گفتند شما را با رکن حجر چه‌کار؟ او گفت: «می‌خواهم آن را برای قومم ببرم». قریش گفتند: «مرگ نزدیک‌تر از این است». سپس نزد رکن آمدند و میان رکن و تُبَّع حائل شدند. خویلد در این‌باره شعری گفت: «مرا سرزنش نکنید تا نزد بیت با آنان بجنگم؛ زیرا عذری ندارم و شمشیر در نزدم است».
ایستادگی خویلد و یارانش، تُبَّع را به وحشت انداخت. او پس از این واقعه در خواب دید که آنان او را لعنت و به هلاکت تهدیدش می‌کنند. پدرِ خویلد (جد حضرت خدیجه) در روزگار جاهلیت در جنگ فجار کشته شد. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p11i1) مادر حضرت خدیجه، «فاطمة بنت زائد» بود [(2)](#p11i2) که نسبش به «عامر بن لؤی» می‌رسید. از این رو، پدر و مادر حضرت خدیجه از خانواده‌های اصیل قریش و در حسب و نسب، از برترین افراد آن دوران به شمار می‌آمدند.

1- تاریخ الیعقوبی، یعقوبی، ج 2، ص 21.
2- المحبر، محمد بن حبیب، ص 77؛ المعارف، ابن قتیبه، ص 219؛ انساب الاشراف، بلاذری، ج 2، ص 23.

ص: 12
«نوفل»، «حزام» و «عوام» [(1)](%22%20%5Cl%20%22p12i1)، برادران حضرت خدیجه و «هاله»، «رفیقة» و «ام امیمة بنت بجاد» [(2)](#p12i2) خواهران او بودند، اما «نوفل» که او را «اسد قریش» یا «اسد المطیّبین» می‌خواندند، در جنگ بدر به دست علی (ع) یا برادرزاده‌اش «زبیر» کشته شد. [(3)](#p12i3) نوفل، فرزندی به نام «ورقه» داشت و «عوام» برادر دیگر حضرت خدیجه و پدر زبیر [(4)](#p12i4)، در جنگ فجار کشته شد. [(5)](#p12i5) «حزام»، برادر دیگر خدیجه بود که فرزندش «حکیم بن‌حزام» از یاران رسول خدا (ص) به شمار می‌رفت و از معمّرین خوانده شده است؛ زیرا او شصت سال در دوران جاهلیت و شصت سال در روزگار اسلام زیست. «دارالندوه» از املاک او بود که بعدها آن را به معاویه فروخت. [(6)](#p12i6)

1- المعارف، ص 219؛ جمهرة انساب العرب، ص 120.
2- جمهرة انساب العرب، ص 120.
3- همان.
4- همان، ص 121.
5- البدء و التاریخ، مقدسی، ج 5، ص 83.
6- جمهرة انساب العرب، ص 121.

ص: 13

ص: 14

## شخصیت و جایگاه‌

مردم مکه حضرت خدیجه را می‌شناختند و او نزد قریش از جایگاه بلندی برخودار بود و بانویی شریف، ثروت‌مند، بازرگان و تاجر [(1)](%22%20%5Cl%20%22p14i1)، خردمند، آگاه و باهوش زمان خود به شمار می‌رفت. [(2)](#p14i2) خداوند به او خیر و کرامت بخشید و از این رو، در حسب و نسب نیز از برترین افراد دوره خود شمرده می‌شد. [(3)](#p14i3) وی نخستین زنی بود که به رسول خدا (ص) ایمان آورد [(4)](#p14i4) و پشت سر آن حضرت در مسجدالحرام نماز خواند [(5)](#p14i5) و بعدها «ام المؤمنین» [(6)](#p14i6) لقب گرفت و از این

1- السیرة النبویه، ابن هشام، ج 1، ص 199؛ الطبقات الکبری، ابن سعد، ج 8، ص 13.
2- انساب الاشراف، ج 1، ص 108؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 105.
3- الطبقات الکبری، ج 1، ص 105.
4- المحبر، ص 408؛ الطبقات الکبری، ج 8، ص 14؛ ج 3، ص 16.
5- الطبقات الکبری، ج 8، ص 15.
6- جمهرة انساب الاشراف، ص 120؛ اسدالغابة، ج 6، ص 78.

ص: 15
افتخار بزرگ برخوردار شد و این لقب برای او جاودانه ماند. حضرت خدیجه (س) را (در کنار حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س)) از بهترین زنان دنیا [(1)](%22%20%5Cl%20%22p15i1) شمرده‌اند. رسول خدا (ص) فرمود: «خَیرُ نِسائِها، مَریَمُ بِنتُ عِمران وَ خَدیجَةُ بِنت خُوَیلَد [(2)](#p15i2) وَ فاطِمَةُ بِنت مُحَمَّد». [(3)](#p15i3) وی از برگزیدگان زنان نزد خداوند [(4)](#p15i4) و برترین زنان بهشت به شمار آمده است. [(5)](#p15i5) رسول خدا (ص) در این‌باره فرمود: «سَیِّدة نِساءِ اهلِ الجَنَّة، مَریَمُ بِنت عِمران، ثُمَّ فاطِمَةُ، ثُمَّ خَدیجَة، ثُمَّ آسِیَةُ امرأةُ فِرعَون». [(6)](#p15i6) به هر روی، کسی به سیده قریش ملقب می‌شود که از کمال انسانی برخوردار باشد و ثروت و مال صفات پسندیده او را از میان نبرد. پی‌آمد چنین

1- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل، ج 4، ص 278؛ انساب الاشراف، ج 2، ص 35.
2- صحیح بخاری، ج 4، ص 138؛ مسند احمد، احمد بن حنبل، ج 1، ص 84؛ الآحاد و المثانی، ابن ابی عاصم، ج 5، ص 380.
3- «بهترین زنان دنیا مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد هستند». ابن بطریق، ص 58.
4- الخصال، شیخ صدوق، ج 1، ص 225.
5- الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج 4، ص 382؛ الخصال، ج 1، ص 206.
6- «سرور زنان بهشت مریم دختر عمران، فاطمه، خدیجه و آسیه همسر فرعون هستند». الآحاد والمثانی، ج 5، ص 364؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج 11، ص 266؛ السنن، نسائی، ج 5، ص 93.

ص: 16
خصالی، بهره‌مندی از روحی پاک و بزرگ است. خدیجه نخستین زنی بود که رسول خدا (ص) با او ازدواج کرد. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p16i1) مقام حضرت خدیجه به قدری والا بود که هنگام فرود آمدن جبرئیل بر رسول خدا (ص)، نزد آن حضرت بودو جبرئیل سلام خداوند را به خدیجه رساند و او این سلام را پاسخ گفت [(2)](#p16i2):
انَّ جَبرَئیلَ (ع) أتی رَسُولَ اللهِ (ص) فَقالَ: اقرِی خَدیجَةَ السَّلام مِن رَبِّها، فَقالَ رَسُولُ الله (ص): یا خَدیجَة! هذا جَبَرئیلُ یُقرِئُکَ السَّلامَ مِن رَبِّکَ، فَقالَت خَدیجَة: اللهُ السَّلام وَ مِنهُ السَّلام وَعَلی جَبرَئیل السَّلام.
جبرئیل نزد رسول خدا (ص) آمد و فرمود از طرف خداوند به خدیجه سلام می‌رسانم. آن حضرت فرمود: ای خدیجه! این جبرئیل است که از طرف خداوند سلام می‌رساند. خدیجه فرمود: خداوند- تعالی- خود سلام است، سلام از اوست و بر جبرئیل نیز سلام باد.
این روایت و روایاتی مانند آن از رسول خدا (ص)، بر برخورداری خدیجه از شخصیتی والا و عظمت

1- مروج الذهب، مسعودی، ج 3، ص 283؛ الانباء فی تاریخ الخلفاء، ابن عمرانی، ص 47.
2- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 206.

ص: 17
روحی آن بانوی بزرگوار دلالت می‌کند.
کنیه خدیجه «ابوهند» بود [(1)](%22%20%5Cl%20%22p17i1)و در دوران جاهلیت به سبب طهارت و پاکی روح و جسمش، او را «طاهره» می‌خواندند [(2)](#p17i2) این لقب نیز فضیلت، پاک‌دامنی و درستی او را در کارهایش نشان می‌دهد. او هرگز با زنان شهوت‌ران ننشست و همیشه براثر بهره‌مندی‌اش از آن روح پاک و بلند، از این زنان بیزاری می‌جست و با آنان سخن نمی‌گفت.
گفته‌اند که او پانزده سال پیش از حادثه عام الفیل زاده شد [(3)](#p17i3) و در سال دهم بعثت درگذشت و آن سال، «عام الحزن» خوانده شد. [(4)](#p17i4)

1- الطبقات الکبری، ج 8، ص 13.
2- الاستیعاب، ج 4، ص 379؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 3، ص 131؛ اسدالغابه، ج 7، ص 80، السیرة الحلبیه، حلبی، ج 1، ص 223.
3- الطبقات الکبری، ج 8، ص 13.
4- مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب، ج 1، ص 150؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 101؛ اعلام الوری، طبرسی، ج 1، ص 53. بنابراین، شاید او کمابیش در 65 سالگی درگذشته باشد.

ص: 18

## ازدواج و فرزندان‌

گفته‌اند که خدیجه، نامزد پسر عمویش، «ورقة بن‌نوفل بن اسد» بود، اما به دلائلی نامعلوم با یکدیگر ازدواج نکردند. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p18i1) تا اینکه خدیجه به همسری «ابوهاله»، «نباش بن زرارة بن‌وقدان» درآمد و از او دارای فرزندانی به نام «هند» و «هاله» شد. «نباش»، شرافت و منزلتی نزد قوم خود داشت و در مکه می‌زیست. او با خاندان «عبدالدار بن‌قصی» هم‌پیمان شد و قریش با هم‌پیمانان خود ازدواج می‌کردند. [(2)](#p18i2) هند، از فرزندان حضرت خدیجه، در جنگ جمل به شهادت رسید. برخی نیز می‌گویند وی در جنگ بدر یا جنگ احد به شهادت رسید. [(3)](#p18i3)

1- الطبقات الکبری، ج 8، ص 11.
2- همان.
3- امتاع الاسماع، ج 6، ص 37.

ص: 19
همچنین فرزند دیگری به نام حارث از «ابوهاله» و «خدیجه» برشمرده‌اند. «حارث» پس از بعثت رسول خدا (ص) در خانه خدیجه بود و اسلام آورد و پیوسته اسلامش را آشکارا می‌ساخت. گفته‌اند که او نخستین نمازگزار نزد رکن یمانی بوده است.
روزی حارث میان گروهی از قریش نشسته بود و آنان درباره رسول خدا (ص) چیزهایی گفتند که او را خوش نمی‌آمد و از این رو، خشمگین شد و نزاعی میان او و مردی از نادانان قریش درگرفت و آن مرد به اندازه‌ای به شکم حارث زد تا اینکه بی‌هوش شد و درگذشت. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p19i1) حضرت خدیجه پس از مرگ شوهرش ابوهاله، با «عتیق بن عابد» ازدواج کرد [(2)](#p19i2) و دختری به نام «هند» به دنیا آورد. [(3)](#p19i3) هند با «صیفی بن امیه» ازدواج کرد و فرزندی به نام «محمد» به دنیا آورد. فرزندان و نوادگان محمد را به پاس حضرت خدیجه، «بنی‌طاهره» می‌خواندند. [(4)](#p19i4) هند همواره به مادرش خدیجه افتخار می‌کرد و پیوسته می‌گفت:

1- انساب الاشراف، ج 13، ص 67.
2- المحبر، صص 79 و 452.
3- الطبقات الکبری، ج 8، ص 11.
4- المحبر، ص 79؛ الطبقات الکبری، ج 8، ص 12.

ص: 20
من گرامی‌ترین مردم از [دید انتساب به این] پدر و مادر و برادر و خواهرم؛ پدرم رسول خدا (ص)، مادرم حضرت خدیجه، خواهرم فاطمه (س) و برادرم قاسم است. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p20i1) برخی از مورخان، نخستین شوی خدیجه را «عتیق بن‌عابد» و بعد از او «ابوهاله» را شوهر وی دانسته‌اند [(2)](#p20i2)، اما برپایه شماری از منابع، حضرت خدیجه پیش از ازدواجش با رسول خدا (ص)، به همسری کسی در نیامده بود [(3)](#p20i3) و فرزندانی را که برای آن حضرت شمرده‌اند، به خواهرش منسوبند. [(4)](#p20i4) البته ادعای باکره بودن حضرت خدیجه (س) هنگام ازدواج با رسول خدا، با گزارش‌های تاریخی درباره ازدواج‌های پیشین آن حضرت ناسازگار است. هنگامی که رسول خدا (ص) از کاروان تجاری شام بازمی‌گشت و به مکه می‌آمد، حضرت خدیجه مجذوب معنویت او شد و به وی دل بست. خدیجه از دید نسب و مال، برترین مردمان قریش بود و از این رو، بسیاری از آنان خواستار ازدواج با او بودند،

1- انساب الاشراف، ج 13، ص 66.
2- تاریخ الطبری، طبری، ج 3، ص 161؛ ج 11، ص 593.
3- مناقب آل ابی‌طالب، ج 1، ص 138.
4- الصحیح من سیرة النبی الأعظم، سید جعفر عاملی، ج 2، ص 122.

ص: 21
اما او خواستگاران خود را نمی‌پذیرفت تا اینکه با رسول خدا آشنا و دلداده شخصیت آن حضرت شد.
«نفیسة بنت منیة» می‌گوید: پس از اینکه رسول خدا از شام بازگشت، خدیجه مرا پنهانی به سوی پیامبر (ص) فرستاد. من به او گفتم: «ای محمد! چه چیزی مانع ازدواج تو شده است؟» فرمود: «در دستم مالی برای ازدواج نیست». گفتم: «اگر تو را به سوی برترین کس در جمال، مال، شرف و هم‌تایی (کفویت) بخوانم، دعوتم را می‌پذیری». فرمود: «او چه کسی است؟» گفتم: «خدیجه و این کار را برایت به سرانجام می‌رسانم».
به خدیجه خبر دادم و زمانی را معین کردم. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p21i1) رسول خدا (ص) این پیشنهاد را پذیرفت [(2)](#p21i2) و حضرت خدیجه همراه با عمویش «عمرو بن اسد» که از بزرگان بود و رسول خدا (ص) همراه با عمویش «ابوطالب» [(3)](#p21i3) و «حمزه» [(4)](#p21i4) و بزرگان قوم، حاضر شدند. [(5)](#p21i5) خطبه عقد آن دو را حضرت ابوطالب (ع)

1- امتاع الاسماع، مقریزی، ج 6، ص 30.
2- الطبقات الکبری، ج 8، ص 13.
3- المحبر، ص 78.
4- السیرة النبویة، ج 1، ص 201.
5- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص 45.

ص: 22
خواند [(1)](%22%20%5Cl%20%22p22i1) و خدیجه دستور داد که گوسفندی را ذبح و با آن طعامی درست کنند. او در این هنگام چهل سال داشت و رسول خدا (ص) بیست [(2)](#p22i2) یا 25 [(3)](#p22i3) یا سی ساله بود. [(4)](#p22i4) خطبه عقد حضرت ابوطالب چنین است:
خدای را سپاس که ما را از نسل ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و برای ما کعبه را حرم امن قرار داد و ما را بر مردم سروری داد و شهر ما را که در آن هستیم، مبارک ساخت سپس به راستی برادر زاده‌ام محمد بن عبدالله اگر چه از مال تهی دست است، با هیچ مردی از قریش سنجیده نمی‌شود؛ جز آنکه بر او فزون آید و با احدی قیاس نشود؛ مگر آنکه از او بزرگ‌تر باشد؛ چه آنکه مال مایه زوال و نابودی است. او خواستار خدیجه و خدیجه خواستار اوست. مهر او آنچه بخواهید نقد از مال من است و به خدا قسم او را امری بزرگ است.
پس از ابوطالب، عموی خدیجه «عمرو بن اسد» گفت:

1- المحبر، ص 78.
2- انساب الاشراف، ج 1، ص 108.
3- السیرة النبویة، ج 1، ص 198؛ الطبقات الکبری، ج 8، ص 13.
4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20.

ص: 23
ای گروه قریش گواه باشید که من خدیجه را به عقد محمد درآوردم و این ازدواج فرخنده‌ای است که هرگز سست نشود. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p23i1) سپس حضرت ابوطالب حُله‌ای را بر سر خدیجه انداخت. قبول آن حُله به معنای پذیرش ازدواج [(2)](#p23i2) و مهریه ایشان دوازده اوقیه (چهل درهم) بود. [(3)](#p23i3) عموی حضرت خدیجه، عمرو بن اسد پس از مدت کوتاهی از ازدواج خدیجه با رسول خدا (ص) درگذشت. [(4)](#p23i4) روایات ساختگی در مخالفت پدر حضرت خدیجه با ازدواج او با رسول خدا (ص) نقل شده است [(5)](#p23i5) که با توجه به درگذشت او پیش از بعثت در بطلان آنها شکی نیست. رسول خدا (ص) تا زمانی که حضرت خدیجه زنده بود، با هیچ کسی ازدواج نکرد [(6)](#p23i6)، زیرا او را در میان زنان آن روزگار هم‌کفو خود و از جاذبه‌های معنوی و شایستگیهای فردی برخوردار می‌دانست.
بر پایه برخی از روایات، خدیجه با ازدواج با پیامبر

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20.
2- امتاع الاسماع، ج 6، ص 31.
3- الطبقات الکبری، ج 8، ص 14.
4- انساب الاشراف، ج 1، ص 108.
5- الطبقات الکبری، ج 1، ص 106.
6- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص 47؛ التعریف و الاعلام، عبدالرحمن سهیلی، ص 257.

ص: 24
دارای شش یا هفت یا هشت فرزند شد که روایت معروف در این‌باره بر شش فرزند دلالت می‌کند. عده‌ای معتقدند برخی از این فرزندان از شوهران قبلی خدیجه بوده‌اند. گرچه برخی از محققان این را ردّ کرده و نپذیرفته و آنان را خواهرزادگان خدیجه دانسته‌اند که نزد او زندگی می‌کردند. وقتی خدیجه با رسول خدا (ص) ازدواج کرد، آنان هم به همراه خدیجه به خانه رسول‌خدا (ص) آمدند و آنان را از فرزندان حضرت شمردند در حالی که فرزندان ایشان نبودند.
نام نخستین فرزند حضرت خدیجه «قاسم» بود که پیش از بعثت به دنیا آمد و در دوسالگی [(1)](%22%20%5Cl%20%22p24i1) و بنابر نقلی در چهارسالگی درگذشت. [(2)](#p24i2) کنیه «ابوالقاسم» برای پیامبر برگرفته از نام این فرزند است. [(3)](#p24i3) فرزندان دیگر حضرت خدیجه، زینب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه (س) و عبدالله بودند. عبدالله در یک ماهگی درگذشت و خدیجه درباره‌اش فرمود: «ای کاش زنده می‌ماند تا او را از شیر می‌گرفتم». [(4)](#p24i4) پیامبر فرمود: «برای او در بهشت شیردهنده‌ای

1- الطبقات الکبری، ج 1، ص 106.
2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 32.
3- الاستیعاب، ج 4، ص 379.
4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 32.

ص: 25
است که دوران شیرخوارگی او را کامل می‌کند». [(1)](%22%20%5Cl%20%22p25i1) عبدالله پس از بعثت (در دوره اسلام) متولد شد و از این رو، او را «طیب» یا «طاهر» می‌نامیدند. [(2)](#p25i2) آنانی که شمار فرزندان را هفت نفر ذکر کرده‌اند، عبدالله را کسی جز طیب؛ یعنی همان طاهر دانسته‌اند [(3)](#p25i3)، کسانی طاهر را نیز فرزند دیگر آن حضرت می‌دانند و به همین سبب او را ابوطاهر می‌خوانند [(4)](#p25i4)، اما کسانی که هشت فرزند برای پیامبر برمی‌شمرند، فرزند دیگری به نام عبدمناف که پیش از بعثت به دنیا آمد، به او نسبت می‌دهند. [(5)](#p25i5) باری، فاطمه زهرا (س)، تنها یادگار رسول خدا (ص) و حضرت خدیجه بود که خداوند نسل امامت را به وی ارزانی کرد. امام صادق (ع) درباره چگونگی ولادت فاطمة زهرا (س) می‌گوید: زمانی که خدیجه با رسول خدا (ص) ازدواج کرد، زنان قریش خدیجه را به سبب این ازدواج ترک کردند و با او هم‌نشین

1- البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج 2، ص 295.
2- الطبقات الکبری، ج 1، ص 106؛ ج 3، ص 5.
3- تاریخ الائمة، کاتب بغدادی، ص 15؛ الهدایة الکبری، خصیبی، ص 39الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص 45.
4- ؛ البدء و التاریخ، مقدسی، ج 5، ص 16.
5- البدء و التاریخ، ج 5، ص 16.

ص: 26
نمی‌شدند و سخن نمی‌گفتند. حضرت خدیجه غمگین شد، اما فاطمه در شکم او با وی سخن می‌گفت.
روزی رسول خدا (ص) به خانه آمد و شنید که خدیجه با کسی سخن می‌گوید. فرمود: «ای خدیجه! با که سخن می‌گویی؟» گفت: «با جنینی که در شکم دارم. او با من سخن می‌گوید و مونس من است». فرمود: «ای خدیجه! جبرئیل درباره این دختر مرا بشارت داد و گفت: نسل پاک تو از اوست و نسل ائمه (علیهم السلام) از او پدید می‌آید».
هنگام زایمان خدیجه فرا رسید و آن حضرت غمگین بود که ناگاه چهار زن نزد او آمدند. یکی از آنان گفت: «غمگین نباش که ما خواهران توایم؛ من ساره‌ام، این آسیه بنت عمران و ... است». سپس آن حضرت فاطمه را به دنیا آورد. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p26i1) «سلمی»، کنیز «صفیة بنت عبدالمطلب» در همه زایمان‌های حضرت خدیجه، مامای او بود. [(2)](#p26i2) خدیجه برای هر فرزندِ پسر که به دنیا می‌آورد، دو گوسفند و برای فرزندِ دختر، یک گوسفند عقیقه می‌کرد. فاصله تولد میان فرزندانش یک سال بود و پیش از تولد

1- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج 2، ص 525.
2- الطبقات الکبری، ج 1، ص 107؛ ج 8، ص 181.

ص: 27
فرزندانش برای آنان دایه‌ای برمی‌گزید. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p27i1) او و همه دخترانش، به نبوت رسول خدا (ص)، ایمان آوردند و او را تصدیق کردند. [(2)](#p27i2) «زینب» پیش از بعثت پیامبر، با «ابوالعاص بن ربیع» ازدواج کرد و او در جنگ بدر اسیر شد و زینب برای آزادی‌اش، پول و گردن‌بند مادرش خدیجه را فرستاد. رسول خدا (ص) آن گردن‌بند را شناخت و فرمود: «اگر می‌خواهید او را آزاد کنید و اموالش را به او بازگردانید». [(3)](#p27i3) او (ابوالعاص) از زینب دو فرزند به نام‌های «علی» و «امامه» داشت. [(4)](#p27i4) امیرمؤمنان پس از شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) با امامه، دختر زینب ازدواج کرد. [(5)](#p27i5) «هاله»، مادر «ابوالعاص» و خواهر حضرت خدیجه بود؛ یعنی خدیجه خاله ابوالعاص به شمار می‌رفت. [(6)](#p27i6) ابوالعاص از مردان ثروتمند و امین و از تاجران مکه بود و حضرت خدیجه از رسول خدا (ص) خواست که او را به دامادی بگیرد و آن حضرت در چنین

1- الطبقات الکبری، ج 1، ص 107.
2- انساب الاشراف، ج 2، ص 24؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 467.
3- المغازی، واقدی، ج 1، صص 130- 131؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج 22، ص 428.
4- جمهرة انساب العرب، ص 17.
5- انساب الاشراف، ج 2، ص 27؛ تاریخ الائمة، ص 15؛ الهدایة الکبری، ص 39.
6- السیرة النبویة، ج 2، ص 306.

ص: 28
پیشنهادها با خدیجه مخالفت نمی‌کرد. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p28i1) از این رو، خواسته خدیجه را برآورد و دخترش زینب را به ابوالعاص داد. خدیجه خواهرزاده خود را همچون فرزندش دوست می‌داشت و مانند فرزندانش با او رفتار می‌کرد. پس از اینکه رسول خدا (ص) به نبوت برگزیده شد، حضرت خدیجه و دخترانش به وی ایمان آوردند، اما ابوالعاص از ایمان آوردن سرتابید. [(2)](#p28i2) حتی قریش بر ابوالعاص، «عتبه» و «شیبه» فشار آورد که دختران آن حضرت را طلاق دهند. قریشیان به آن دو گفتند: «شما هر کسی را برگزینید، او را به عقدتان درمی‌آوریم». عتبه این پیشنهاد را پذیرفت، اما ابوالعاص گفت: «همسر من با هیچ زنی از قریش برابری نمی‌کند» و رسول خدا (ص) او را ستود.
هنگامی که زینب اسلام آورد، می‌بایست از همسرش جدا می‌شد، اما رسول خدا (ص) در آن هنگام در مکه قدرت نداشت و نمی‌توانست این کار را به سرانجام برساند و وضع بر همان شیوه ماند تا اینکه ابوالعاص در روز بدر اسیر شد [(3)](#p28i3) و پس از اینکه رسول خدا (ص) فدیه او را بازگرداند، از وی پیمان گرفت که دخترش زینب را

1- المعجم الکبیر، ج 22، ص 426.
2- انساب الاشراف، ج 2، ص 23؛ السیرة النبویة، ج 2، ص 306.
3- السیرة النبویة، ج 2، ص 307.

ص: 29
به مدینه بفرستد. ابوالعاص نیز بر پایه این عهد زینب را به مدینه فرستاد. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p29i1) ابوالعاص در سال هفتم بعثت اسلام آورد و رسول خدا (ص) زینب را با عقد و مهر جدید به ازدواج او درآورد. [(2)](#p29i2) حضرت فاطمه زهرا (س) تنها دختر خدیجه از رسول خدا (ص) بود که با علی (ع) ازدواج کرد و 75 یا 95 روز پس از رحلت رسول خدا (ص) به شهادت رسید و بر پایه وصیت آن حضرت، وی را شبانه دفن کردند تا کسی مدفن او را نیابد.
خانه حضرت خدیجه، همان خانه‌وی در مکه بود که با رسول خدا (ص) در آن می‌زیست و همه فرزندان خدیجه در آنجا به‌دنیا آمدند و رسول خدا (ص) پس از رحلت حضرت خدیجه تا پیش از هجرتش به مدینه در آن خانه ساکن بود؛ سپس آن خانه به عقیل بن ابی‌طالب سپرده شد [(3)](#p29i3) و بعدها معاویه آن را خرید و به مسجد بدل کرد. [(4)](#p29i4)

1- السیرة النبویة، ج 2، ص 308؛ المعجم الکبیر، ج 22، ص 428.
2- انساب الاشراف، ج 2، ص 26.
3- اخبار مکه، ازرقی، ج 2، ص 199.
4- امتاع الاسماع، ج 6، ص 31؛ اخبار مکه، ج 2، ص 199.

ص: 30

## حضرت خدیجه پیش از بعثت‌

وی بانویی ثروتمند، و تجارت‌پیشه بود و از این راه درآمد خوبی داشت و از همین روی، اموالش را در قالب مضاربه به مردان می‌سپرد تا آنان نیز از این راه درآمد حلالی به دست آورند. هنگامی که رسول خدا (ص) در مکه به «امین» شهرت یافت [(1)](%22%20%5Cl%20%22p30i1)، و راست‌گویی، امانت‌داری و اخلاق نیکوی او [(2)](#p30i2) سبب شد که خدیجه برای او پیغام بفرستد و از وی بخواهد که همراه غلامش میسره، کاروان بازرگانی او را تا شام همراهی کند. خدیجه به محمد (ص) گفت: «دو برابر آنچه را که به دیگران پرداخت می‌کنم، به شما می‌پردازم».
حضرت محمد (ص) این کار را پذیرفت و آن کاروان

1- الطبقات الکبری، ج 8، ص 13.
2- البدایة و النهایة، ج 2، ص 294.

ص: 31
را همراهی کرد و با داد و ستدهای خود، کاروان را از سود سرشاری بهره‌مند ساخت. حضرت خدیجه برپایه وعده‌خود، دو برابر آنچه را به دست آورده بود، به آن حضرت پرداخت. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p31i1) بنابر گزارشی، هنگامی که محمد (ص) بیست ساله شد، حضرت ابوطالب فرمود: «ای برادر زاده! حضرت خدیجه زنی ثروتمند و تاجر است و به کسی امانت‌دار و پاک‌دامن همچون تو نیاز دارد. به من وکالت می‌دهی که با خدیجه درباره تجارت و برخی از دیگر کارها سخن بگویم».
آن حضرت فرمود: «آنچه را صلاح می‌دانی، همان را به سامان رسان». حضرت ابوطالب برای وکالت حضرت محمد (ص) در برخی از کارهای تجاری با خدیجه سخن گفت و او پذیرفت و آن حضرت را همراه با غلامش «میسره» برای تجارت به شام فرستاد. میسره درباره دیدنی‌های خود در راه این سفر و گفته راهب درباره آن‌حضرت و سود به دست آمده از تجارت و از پاکی و امانت محمد با خدیجه سخن گفت و افزود: «هنگامی که با او غذا می‌خوردم، سیر می‌شدم و غذایی بیشتر از آن نیز می‌ماند». [(2)](#p31i2)

1- الطبقات الکبری، ج 8، ص 13.
2- انساب الاشراف، ج 1، ص 107.

ص: 32
«حلیمه سعدیه»، دایه رسول خدا (ص) پس از ازدواج آن حضرت با خدیجه، نزد او آمد و آن حضرت وی را پاس‌داشت. حلیمه از خشک‌سالی و هلاکت چهارپایش شکایت کرد. رسول خدا (ص) با خدیجه در این‌باره سخن گفت و آن حضرت چهل گوسفند و یک شتر بارکش (هودج دار) به او داد و با نیکی او را به خانواده‌اش بازگرداند. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p32i1) همچنین «ثُوَیبَه»، دایه آن حضرت پس از ازدواج رسول خدا (ص) با خدیجه پیش او رفت و آن حضرت به وی نیکی کرد و او را گرامی داشت. خدیجه نیز او را اکرام کرد و از «ابولهب»، عموی آن حضرت خواست تا ثویبه را به او بفروشد تا پس از آن آزادش کند، اما ابولهب این پیشنهاد را نپذیرفت و از فروختن وی به خدیجه سرباز زد. [(2)](#p32i2)

1- انساب الاشراف، ج 1، ص 105.
2- همان، ص 106.

ص: 33

ص: 34

## همراهی با رسول خدا (ص)

خدیجه همسری مهربان و دل‌سوز برای پیامبر و در همه روی دادها با وی هم‌گام و همراه بود. هنگامی که آن حضرت برای عبادت به کوه حرا می‌رفت تا به راز و نیاز با خداوند بپردازد، خدیجه هرگز با رفتنش مخالفت نمی‌کرد و پیوسته یاور و پشتیبان او بود. حتی هنگامی که آن حضرت در غار حرا به سر می‌برد، بدون آنکه با مخالفت خدیجه روبه‌رو شود با برداشتن توشه غذای خود، به غار بازمی‌گشت. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p34i1) هنگامی که خداوند حضرت محمد (ص) را در غار حرا به رسالت برگزید، خدیجه نخستین کس از زنان بود که به وی ایمان آورد و حتی پذیرفت که همه دارایی خود را در راه پیشبرد اسلام به رسول خدا (ص) بدهد. هنگامی که مشرکان مکه هم‌پیمان شدند تا بر بنی‌هاشم؛ یعنی حامیان و مدافعان رسول خدا (ص) فشار آورند و بر این شدند که بنی‌هاشم را در شعب ابی‌طالب محصور کنند، «ابوجهل» از رساندن خوراک و آذوقه بدان شِعب جلوگیری می‌کرد. حضرت خدیجه، «زمعة بن اسود» را نزد ابوجهل فرستاد تا با او سخن بگوید و او را از این کار باز دارد، اما ابوجهل به سخنان او اعتنا نمی‌کرد تا اینکه «حکیم بن‌حزام» یک بارِ شتر از آرد برای خدیجه به شعب فرستاد. [(2)](#p34i2) بر پایه گزارشی، ابوجهل، حکیم بن‌حزام را با غلامش دید که چندی گندم همراه خود دارد و به شعب می‌برد. ابوجهل گفت: «آیا برای بنی‌هاشم آذوقه می‌بری؟ به خدا سوگند نمی‌گذارم از اینجا بروی تا اینکه رسوایت کنم». «ابوالبختری» (برادر ابوجهل) گفت: «این آذوقه از مال خدیجه است و حکیم اکنون می‌خواهد آن را نزد خدیجه ببرد. آیا از رساندن مال به صاحبش جلوگیری می‌کنی؟ راه او را باز کن!» اما ابوجهل همچنان سرسختی نشان می‌داد تا اینکه برادرش با او درگیر شد. [(3)](#p34i3)

1- انساب الاشراف، ج 1، ص 117.
2- انساب الاشراف، ج 1، ص 272.
3- السیرة النبویة، ج 1، ص 379؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 337.

ص: 35
حضرت خدیجه (س) به ویژه در دوران محصور شدن بنی‌هاشم در شعب ابی‌طالب (سه سال)، اموالش را انفاق کرد [(1)](%22%20%5Cl%20%22p35i1) و در همه سختی‌ها و رنج‌ها با پیامبر همراهی می‌کرد. همین همراهی خدیجه، مایه آرامش پیامبر در برابر آزارهای مشرکان بود.
رسول خدا (ص) درباره حضرت خدیجه فرمودند:
خداوند بهتر از او (خدیجه) را به من نداد و او نخستین مؤمن به من بود؛ هنگامی که مردم مرا کافر می‌خواندند، او تصدیقم کرد؛ هنگامی که مردم مرا تکذیب می‌کردند، با اموالش از من حمایت کرد؛ هنگامی که دیگران مرا تحریم می‌کردند. [(2)](#p35i2)

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31.
2- الاستیعاب، ج 4، ص 384.

ص: 36

ص: 37

## حضرت خدیجه و جریان زید بن حارثه‌

رسول خدا (ص) در بازار نوجوان زیبایی را دید که از عقل و ادب برخوردار است و درباره صفات خوب او با حضرت خدیجه سخن گفت و فرمود: «اگر نزد من مالی بود، او را می‌خریدم». [(1)](%22%20%5Cl%20%22p37i1) حضرت خدیجه بهای آن نوجوان را پرسید. آن‌حضرت فرمود: «هفت‌صد [درهم]». [(2)](#p37i2) خدیجه به «ورقة بن‌نوفل» گفت: «از مال من او را بخر». سپس آن‌حضرت فرمود: «با رضایت کامل آن را به من ببخش!» خدیجه فرمود:
ای محمد! من او را پاکیزه‌روی و خوب می‌ببینم و دوست دارم او را به فرزندی بگیری. می‌ترسم از اینکه او را بفروشی یا ببخشی.

1- تاریخ مدینة دمشق، ج 10، ص 137.
2- اسدالغابة، ج 2، ص 351؛ تاریخ مدینة دمشق، ج 19، ص 352.

ص: 38
پیامبر (ص) فرمود: «من او را به فرزندی می‌گیرم». سپس از مال خدیجه، «زید» را خرید و نزد ایشان آورد. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p38i1) «محمد بن‌حبیب» می‌گوید: «خود رسول خدا (ص) او را خرید و آزاد کرد و به فرزندخواندگی برگزید». [(2)](#p38i2) برپایه گزارشی دیگر، رسول خدا (ص) از خدیجه خواست پس از اینکه با او ازدواج کرد، زید را به وی ببخشد [(3)](#p38i3) و پس از اینکه حضرت خدیجه زید را بخشید، آن‌حضرت او را آزاد کرد. [(4)](#p38i4) بر پایه برخی از دیگر گزارش‌ها «حکیم بن‌حزام» او را برای عمه‌اش به چهارصد درهم خرید [(5)](#p38i5) یا غلامانش را به وی عرضه کرد و او زید را برگزید. [(6)](#p38i6)

1- تاریخ مدینة دمشق، ج 10، ص 137.
2- المحبر، ص 128.
3- المعارف، ص 144.
4- الطبقات الکبری، ج 1، ص 264؛ تاریخ مدینة دمشق، ج 19، ص 352؛ اسدالغابه، ج 2، ص 351؛ الاصابه، ابن حجر، ج 2، ص 495 با اختلاف در عبارات.
5- الطبقات الکبری، ج 3، ص 30؛ المعارف، ص 144؛ الاستیعاب، ج 2، ص 115.
6- السیرة النبویة، ج 1، ص 264.

ص: 39

## افتخار کردن به حضرت خدیجه‌

جایگاه و شأن حضرت خدیجه نزد مردم روشن و شناخته شده بود. از همین روی، هنگامی که «معاویه» پس از بیعت مردم با وی خطبه خواند و از علی (ع) و امام حسن (ع) یاد کرد، امام حسن (ع) برخاست و گفت:
ای کسی که از علی یاد کردی! من حسنم، پدرم علی بود و تو معاویه‌ای و پدرت صخر، مادر من فاطمه و مادر تو هند و جد من رسول خدا و جد تو حرب، جده من خدیجه و جده تو قتیله بود. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p39i1) جایگاه بلند حضرت خدیجه (س) سبب می‌شد که افرادی به انتساب به آن بانوی گرامی در

1- الاربعون حدیثا، ابن بابویه رازی، ص 79.

ص: 40
برابر مخالفان خود افتخار کنند. برای نمونه، «محمد بن‌حنفیه» در برابر «ابن زبیر» چنین منازعه می‌کرد:
اگر پاس‌داشت مقام خدیجه دختر خویلد نمی‌بود، درباره بنی‌اسد چیزهایی می‌گفتم و در برابر آسیب‌های برآمده از سخنانم صبر می‌کردم. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p40i1) «دینوری» می‌نویسد: هنگام رسیدن یزید ملعون به خلافت، «ابن‌زبیر» با «نعمان بن بشیر» والی مدینه خلوت کرد و به او گفت:
تو را به خدا سوگند به من بگو که من در نظر تو بهترم یا یزید. پدر من در نظر تو بهتر است یا پدر او. مادر من در نظر تو بهتر است یا مادر او. خاله من در نظر تو بهتر است یا خاله او. عمه من در نظر تو بهتر است یا عمه او؟
وی گفت:
پدر تو زبیر، مادرت اسماء دختر ابوبکر، خاله‌ات عایشه و عمه‌ات خدیجه است.
ابن زبیر گفت: «به رغم این به من می‌گویی که با

1- مروج الذهب، ج 3، ص 80.

ص: 41
او (یزید) بیعت کنم!» نعمان گفت: «دیگر نزد تو نمی‌آیم». گفتنی است که حضرت خدیجه عمه زبیر بود نه ابن زبیر. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p41i1)

1- اخبار الطوال، دینوری، صص 263 و 264.

ص: 42

ص: 43

## رحلت خدیجه (ع)

درباره زمان رحلت خدیجه دیدگاه‌های گوناگونی هست. برخی از مورخان، هنگامه مرگ او را یک ماه و پنج روز یا 25 روز [(1)](%22%20%5Cl%20%22p43i1) یا سه روز پس از درگذشت ابوطالب [(2)](#p43i2) در دهم رمضان سال دهم؛ یعنی سه سال پیش از هجرت [(3)](#p43i3) در 65 سالگی دانسته‌اند. [(4)](#p43i4) بدن پاک حضرت خدیجه را «ام‌ایمن» و «ام‌الفضل» همسر «عباس» غسل دادند [(5)](#p43i5) و پیکر او را از خانه‌اش تا «حجون» در مکه تشییع کردند و رسول خدا (ص) به درون قبر همسرش رفت [(6)](#p43i6) و برای او دعا کرد [(7)](#p43i7)، اما آن

1- انساب الاشراف، ج 1، ص 272.
2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35؛ تاریخ الصحابه، ابن حبان، ص 92.
3- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص 47؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35.
4- الطبقات الکبری، ج 8، صص 14 و 174.
5- امتاع الاسماع، ج 6، ص 31.
6- الطبقات الکبری، ج 8، ص 15.
7- ینابع المودة، قندوزی، ج 2، ص 51.

ص: 44
زمان نماز میت واجب نشده بود [(1)](%22%20%5Cl%20%22p44i1) تا بر بدن وی نماز بخواند. هنگام مرگ خدیجه، 49 سال و هشت ماه از عمر رسول خدا گذشته بود. [(2)](#p44i2) سال دهم، در اثر این دو مصیبت (درگذشت حضرت خدیجه و ابوطالب) بر رسول خدا (ص)، سخت گذشت و «عام الحزن» نام گرفت. [(3)](#p44i3) رسول خدا (ص) در آن سال فرمود: «نمی‌دانم برای کدام‌یک از این دو مصیبت بیشتر ناله کنم». [(4)](#p44i4) این دو بزرگوار یار و یاور و پشتیبان پیامبر (ص) بودند؛ زیرا به پشتوانه نفوذ خود از آزار رساندن مشرکان به آن حضرت جلوگیری می‌کردند، اما پس از رحلت آن دو، آزارها و اهانت‌ها به آن حضرت آغاز شد و از این رو، می‌فرمود: «تا زمانی که آن بزرگواران زنده بودند، چنین جسارت‌ها بر من روا نمی‌آمد».
فاطمه زهرا (س) پس از رحلت حضرت خدیجه، دامن پدرش را می‌گرفت و می‌گفت: «مادرم کجاست؟» جبرئیل فرمود: «بگو خداوند بزرگ برای مادرت در

1- الطبقات الکبری، ج 8، ص 15؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 274.
2- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص 47.
3- مناقب آل ابی‌طالب، ج 1، ص 150.
4- تاریخ یعقوبی، ج 2، 35.

ص: 45
بهشت خانه‌ای از دُر و گوهر ساخته است». [(1)](%22%20%5Cl%20%22p45i1) روایاتی از رسول خدا (ص) درباره مقام و منزلت خدیجه نقل شده است:
قالَ رَسُولُ اللهِ امرتُ أن ابَشِّرَ خَدیجَةَ بِبَیتٍ مِن قَصَبٍ، لا صَخَبَ فِیهِ وَ لا نَصَب. [(2)](#p45i2) من مأمور شدم خدیجه را به خانه‌ای از دُرّ و لؤلؤ (بهشت) بشارت دهم که فریاد و دشنام و رنجی در آن نیست.

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35؛ المغازی النبویه، زهری، ص 45 با عبارت دیگر.
2- المعجم الکبیر، ج 2، ص 188.

ص: 46

ص: 47
یاد کردن پیامبر (ص) از خدیجه پس از رحلت او
پیامبر سال‌ها پس از مرگ حضرت خدیجه، همواره از او یاد و در یادش گریه می‌کرد و می‌فرمود:
خداوند بهتر از او را به من نداده است. او به من ایمان آورد؛ هنگامی که مردم کافر بودند، نبوت من را تصدیق کرد؛ هنگامی که مردم تکذیبم کردند، اموالش را به من سپرد؛ هنگامی که مردم مرا محروم می‌کردند. خداوند متعال از او به من فرزندانی بخشید. [(1)](%22%20%5Cl%20%22p47i1) آن‌گاه که در جنگ بدر برای آزادی اسیران فدیه پرداخت می‌شد، زینب دختر رسول خدا (ص) برای آزادی همسرش ابوالعاص بن‌ربیع پول و گردن‌بند مادرش خدیجه را فرستاد که در شب عروسی‌اش به

1- الاستیعاب، ج 4، ص 384؛ الاصابه، ج 8، ص 103.

ص: 48
او داده بود. رسول خدا (ص) با دیدن آن غمگین شد و به گریه افتاد و از خدیجه نام برد و بر او رحمت فرستاد [(1)](%22%20%5Cl%20%22p48i1) و فهمید اگر زینب مال دیگری می‌داشت، آن گردن‌بند را نمی‌فرستاد و از این رو، به مسلمانان فرمود: «اگر می‌خواهید او را آزاد کنید و این مال و گردن‌بند را برگردانید». آنان نیز ابوالعاص را آزاد کردند و مال و گردن‌بند را باز فرستادند. [(2)](#p48i2) بر پایه روایتی از عایشه، زنی سیاه‌چهره نزد رسول خدا (ص) آمد و آن حضرت او را پاس داشت و از دیدن او خوشحال شد. از او پرسیدم: «ای رسول خدا! [چرا] این زن سیاه‌چهره را چنین گرامی داشتی؟» آن حضرت فرمود: «زیرا این زن بارها نزد خدیجه می‌آمد». سپس فرمود: «حُسنُ العَهدِ مِنَ الإیمانِ» [(3)](#p48i3)؛ «نیک عهدی از ایمان است». رسول خدا با دیدن آن زن، حضرت خدیجه را در یاد می‌آورد و پاسداشت او را احترام به خدیجه می‌دانست.
همچنین هرگاه رسول خدا (ص) گوسفندی را ذبح می‌کرد، چنین می‌فرمود: «آن را برای دوستان خدیجه

1- المغازی، ج 1، ص 131.
2- السیرة النبویه، ج 2، ص 308.
3- انساب الاشراف، ج 1، ص 109.

ص: 49
بفرستید که من دوستان خدیجه را دوست دارم». [(1)](%22%20%5Cl%20%22p49i1) حضرت با این کار، خاطره آن بانوی فداکار را زنده نگاه می‌داشت.
حضرت خدیجه از رسول خدا (ص) روایت‌هایی نیز نقل کرده است. [(2)](#p49i2)

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231؛ صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، ج 7، ص 134؛ صحیح، ابن حبان، ج 15، ص 467.
2- ثقات، ابن حبان، ج 3، ص 114.

ص: 50

ص: 51

## درس‌هایی از زندگی حضرت خدیجه‌

حضرت خدیجه (س) در همه زمینه‌ها الگوی زنان جامعه امروزی است؛ زیرا او به رغم گستردگی شرک در دوران جاهلیت و بعثت در مکه، از آلودگی‌های فرهنگی و اجتماعی برکنار ماند و توانست خود را از دید اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی در آن بستر آلوده حفظ کند و با استواری در راه قله‌های کمال گام بردارد و با جوانی پاک و امین ازدواج کند و شوهرش را در راه اعتلای کلمه توحید و آیین جدیدش (اسلام) یاری رساند.
وی با سپردن اموالش به رسول خدا (ص) برای گسترش اسلام و کمک به مستضعفان خدمات ارزنده‌ای انجام داد. چند نمونه از درس‌های آن شخصیت بزرگوار به زنان جامعه امروزی بدین شرح عرضه می‌شود:

ص: 52
الف) او بانویی شریف، آگاه و خردمند در روزگار خود بود و با پاک نگاه داشتن جسم و روح خود توانست از تیرگی فساد جامعه جاهلی بر کنار ماند. گفته‌اند که برخی از زنان مکه در روزگار جاهلیت بالای خانه‌های خود پرچمی می‌افراشتند و مردم را به خوش‌گذرانی و لهو و لعب فرا می‌خواندند، اما حضرت خدیجه (س) هیچ‌گاه با این زنان هوس‌باز هم‌نشین نمی‌شد و از آنان بیزاری می‌جست و به همین سبب او را در جاهلیت «طاهره» می‌خواندند.
زنان امروز نیز باید چنین بانویی را الگوی خود در زندگی برگزینند و در برابر تبلیغات دشمن که با ابزارهای گوناگون به گسترش فساد در جامعه می‌پردازد، استوار بایستند و از او درس طهارت روح و جسم، عفت و پاکدامنی بگیرند.
امروز به برکت دین اسلام و اهل‌بیت (علیهم السلام) و به برکت انقلاب اسلامی که بارقه امیدی بر همه جهانیان تابید، از هجمه‌های فرهنگی دشمنان اسلام می‌توان خود را حفظ کرد و همچون حضرت خدیجه در راه هدف خود پایدار بود و از گناهان در جامعه بیزاری جُست.

ص: 53
ب) خدیجه (س) دارایی فراوان خود را در قالب مضاربه به کار می‌گرفت و زمینه‌کار و کسب را برای افراد بی‌سرمایه فراهم می‌آورد این کار درسی برای ثروتمندان و تاجرانِ جامعه مسلمان است. آنان می‌توانند سرمایه خود را به جوانان پاک بسپرند تا آنان افزون بر کسب روزی حلال، به کار سرگرم شوند و چرخ‌های اقتصادی جامعه را بچرخانند. متأسفانه امروزه افراد در جامعه کنونی به یکدیگر اعتماد ندارند تا پول و امکانات خود را به دیگران بسپرند، اما با تربیت صحیح و عمل به آموزه‌های قرآنی و روایات می‌توان این اعتماد را به جامعه باز گرداند.
ج) حضرت خدیجه اموال فراوانی داشت، اما هنگامی که جوان پاک و بدون سرمایه‌ای همچون محمد (ص) را شناخت، به او پیشنهاد ازدواج داد. این روش نیکو را خانواده‌ها باید به کار گیرند و با آن مشکلات جوانان‌شان را حل کنند. اگر خانواده دختر یا پسرِ پاک‌دامنی را بیابد، بی‌هیچ مشکلی می‌تواند از او خواستگاری کند.
د) آن بانوی بزرگ (س) پس از ایمان آوردن به رسول خدا (ص)، اموال فراوانش را به آن حضرت سپرد

ص: 54
و این کار نشان می‌دهد که ثروت ماندنی نیست، اما آن را برای پیشبرد اسلام می‌توان به کار گرفت و حتی با کمک همسر خود در کارهای خیر پیش‌گام شد.
ه) حضرت خدیجه همسرش را در مشکلات و رنج‌ها همراهی می‌کرد.
زنان این روزگار نیز همچون وی باید در رنج‌ها و مشکلات شوهرانشان را یاری دهند و با آنان همراه باشند.
و) رسول خدا (ص) با دیدن یادگاری از خدیجه یا دوستان او، از خدیجه یاد می‌کرد و غمگین می‌شد و بر او درود می‌فرستاد. چنانچه زن پاک‌دامن و باتقوایی که با دوستان یا همسایگان خود به خوبی رفتار می‌کند، از دنیا برود، دوستانش غمگین می‌شوند و اگر رفتار خوبی را از کسی ببیند، بی‌درنگ از او یاد می‌کنند و خاطره وی را به یاد می‌آورند و بر او درود می‌فرستند.
ز) رسول خدا (ص) دوستان خدیجه را به سبب خوبی آن حضرت گرامی می‌داشت. جامعه کنونی نیز به آموزه‌های دینی باید عمل کند. اگر دوست خوبی که انسان به او خوبی می‌کند، از دنیا برود،

ص: 55
آدمی با خوبی‌کردن به دوستان او در واقع به دوست مرحومش خوبی می‌کند. چنین نیکوداشت‌ها در فرهنگ غنی اسلام بی‌پیشینه نیست و الگوپذیری از آنها جامعه را به سوی اخلاق پسندیده و نیکوی می‌برد.

ص: 56

ص: 57

## کتاب‌شناسی حضرت خدیجه‌

کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره شخصیت حضرت خدیجه (س) نوشته شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
ص ام المؤمنین خدیجة بنت خویلد، نوشته عبدالمنعم هاشمی، بیروت، دارالبحار- دارالتیسیر؛
ص حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، نوشته محمد محمدی اشتهاردی، تهران، مؤسسه انتشارات نبوی؛
ص خدیجه بنت خویلد، نوشته محمد علی قطب، بیروت، دارالقلم؛
ص حیات السیدة خدیجة بنت خویلد من المهد الی اللحد، نوشته حسینعلی شرهانی، بیروت، مکتبةالهلال و دارالبحار؛
ص ام المؤمنین خدیجة الطاهره، نوشته حسین شاکر، چاپخانه ستاره، 1421.

ص: 58

ص: 59

## کتابنامه‌

1. الآحاد و المثانی، عمرو بن ابی عاصم، تحقیق: باسم فیصل احمد جوابرة، دار الدرایة، 1411 ه. ق.
2. الاخبار الطوال، ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی، 1368 ه. ش.
3. اخبار مکه، محمد بن عبدالله ازرقی، تحقیق: رشدی صالح ملحس، مکه، دارالثقافه، 1415 ه. ق.
4. الاربعون حدیثا، منتجب الدین رازی علی بن عبیدالله بن بابویه، به اهتمام سید جلال الدین طبیب پور اصفهانی، به سرپرستی سید محمدباقر موحد ابطحی، قم، مؤسسة الامام المهدی، 1408 ه. ق.
5. الاستیعاب، یوسف بن عبدالله بن‌عبدالبر، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ه. ق.
6. اسدالغابه، علی بن محمد ابن اثیر، بیروت، دارالفکر، 1409 ه. ق.
7. الاصابه فی تمییز الصحابه، احمدبن علی بن‌حجر تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ه. ق.

ص: 60
.8
9. اعلام الوری باعلام الهدی، علی بن فضل طبرسی، تحقیق: مؤسسة آل البیت، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1417 ه. ق.
10. امتاع الاسماع، احمد بن علی مقریزی، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1420 ه. ق.
11. الانباء فی تاریخ الخلفاء، ابن عمرانی، تحقیق: قاسم سامرائی، قاهره، دار الافاق العربیه، 1421 ه. ق.
12. انساب الاشراف، احمدبن یحیی بلاذری، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، 1417 ه. ق.
13. الانساب، عبدالکریم بن محمد سمعانی، تحقیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت، دار الجنان، 1408 ه. ق.
14. البدء و التاریخ، مطهر بن طاهر مقدسی، مکتبة الدینیه.
15. البدایة والنهایة، ابوالفداء اسماعیل بن‌کثیر، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1408 ه. ق.
16. تاریخ الائمة (المجموعة)، کاتب بغدادی به کوشش: سید محمود مرعشی، قم، مکتبه آیة الله‌العظمی مرعشی نجفی.
17. تاریخ الأمم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.
18. تاریخ الصحابه، محمد بن حبان، تحقیق: بوران الضناوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1408 ه. ق.
19. تاریخ الیعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، بیروت، دار صادر.

ص: 61
.20
21. تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1369 ه. ش.
22. تاریخ مدینه دمشق، علی‌بن الحسن بن‌عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، 1415 ه. ق.
23. التعریف و الاعلام فی ما ابهم فی القرآن من الاسماء الاعلام، عبدالرحمن سهیلی، تحقیق: عبدالله محمدعلی علی القراط، طرابلس، لجنة التراث الاسلامی، 1401 ه. ق.
24. جمهرة انساب العرب، علی بن احمد بن حزم، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1403 ه. ق.
25. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، قم، مؤسسة الامام المهدی، باشراف: سید محمد باقر موحد ابطحی، 1409 ه. ق.
26. الخصال، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی (شیخ صدوق)، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعةالمدرسین، 1416 ه. ق.
27. سنن، احمد بن شعیب نسائی، بیروت، دار الفکر، 1408 ه. ق.
28. سیره ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، تحقیق: سهیل زکار، قم، دارالفکر، مؤسسة اسماعیلیان، 1410 ه. ق.
29. السیرة الحلبیه، علی‌بن برهان حلبی، بیروت، دار المعرفه، 1400 ه. ق.
30. السیرة النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالقلم.

ص: 62
.31
32. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، محمد بن‌حبان، (علاء الدین علی بن بلبان الفارسی)، تحقیق: شعیب الارنووط، بیروت، مؤسسة الرساله، 1414 ه. ق.
33. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، 1401 ه. ق.
34. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دار الفکر.
35. الصحیح من سیرة النبی الأعظم، جعفر مرتضی عاملی، بیروت، دارالهادی، 1415 ه. ق.
36. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1410 ه. ق.
37. کتاب الثقات، محمد بن حبان، حیدر آباد هند، دائرةالمعارف العثمانیه.
38. کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات، 1409 ه. ق.
39. المحبر، محمد بن حبیب بغدادی، بیروت، دارالافاق الجدیده.
40. مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی، قم، مؤسسة دارالهجره، 1409 ه. ق.
41. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبد الله حاکم نیسابوری، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ص: 63
.42
43. مسند احمد، احمد بن حنبل بیروت، دار صادر.
44. المعارف، عبدالله بن مسلم بن‌قتیبه، تحقیق: ثروت عکاشة، قاهره، دارالمعارف.
45. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، قاهره، مکتبة ابن‌تیمیة.
46. المغازی النبویه، محمد بن شهاب زهری، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
47. مناقب آل ابی‌طالب، محمد بن علی بن‌شهر آشوب، تحقیق: لجنة من اساتذة النجف الاشرف، نجف، مطبعة الحیدریه، 1376 ه. ق.
48. الهدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت، مؤسسة البلاغ، 1411 ه. ق.
49. ینابیع المودة لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، اسوه، 1416 ه. ق.